

شکل گرفته بود از فیلم راضی بودند. اما در تهران فرصتی برای دریافت بازخوردها نداشته‌ایم. به هر حال، طبیعی است که برخی مخاطبان به دلیل متفاوت بودن فیلم از آثار جنگی متعارف که معمولاً دارای جلوه‌های ویژه، تجهیزات نظامی مانند تانک و هلیکوپتر و تولیدات عظیم هستند، یا فیلم احساس بیگانگی کنند. ولی اگر به عنوان اثری در سینمای مستقل که نگاهی متفاوت و آوانگارد دارد به فیلم توجه کنند، می‌توانند ارتباط عمیق‌تری با آن بگیرند.

یکی از بخش‌های جالب توجه، دیالوگ‌هایی بود که برای کاراکترهای مختلف طراحی شده بود. شخصیت‌ها به شدت آشنا و انسانی بودند. به دور از شعارزدگی و همراه با همان دغدغه‌ها و شوخ‌طبعی‌هایی که انسان حتی در شرایط بحرانی می‌تواند داشته باشد. این نکته سبب می‌شد که مخاطب در فضای سورئال فیلم، جایی که اجساد روی آب شناور هستند و گاه فضایی هراس‌انگیز حاکم است، همچنان پیوند خود را با اثر حفظ کند. برای مثال، شخصیت بی‌سیم‌چی با لهجه خاص خود نوعی کنایه و طنز به فضای فیلم می‌افزود و با شخصیت دوست کاراکتر شهید، لایه دیگری از صمیمیت انسانی را به داستان اضافه می‌کرد.

دقیقاً همین‌طور است. در فیلم قبلی ما «مهاجران»، اثر کاملاً بدون دیالوگ بود و ۹۰ دقیقه هیچ گفت‌وگویی نداشت. اما در این فیلم، مسیر کاملاً برعکس شد و روایت بر پایه دیالوگ شکل گرفت. ما از همان ابتدا تلاش کردیم از شعارزدگی پرهیز کنیم. در فیلم‌های جنگی، دور ماندن از شعارزدگی، موضوع حساسی است و برای من مهم بود که به جای شعار، فضایی مرموزتر و انسانی‌تر ترسیم شود. حتی در طول تمرین‌ها، از بازیگران خواستیم که با لهجه و ویژگی‌های شخصیتی نزدیک به زندگی واقعی خودشان به نقش‌ها جان بدهند تا طبیعی‌تر و ملموس‌تر باشند. یعنی برای طبیعی‌تر شدن فضا، از ویژگی‌های شخصی و لهجه واقعی بازیگران استفاده کردیم. به عنوان مثال، یکی از بازیگران در واقعیت اصالت کرمانی داشت و با همان لهجه در فیلم حضور یافت یا بازیگر دیگری اهل نیریز بود و با همان لهجه بازی می‌کرد. همانگونه که به آن اشاره کردید شوخی در فضای روابط دوستانه هر انسانی دیده می‌شود و ما هم برای شکل‌گیری فضایی انسانی‌تر از این ویژگی‌ها استفاده کردیم.

انتخاب بازیگران چگونه انجام شد؟

بازیگران عمدتاً از گروه تئاتری ما در شیراز انتخاب شدند. سال‌هاست با این گروه همکاری می‌کنیم و شناخت متقابل و زبان مشترکی میانمان وجود دارد. افزون بر این، اعضای گروه به خوبی با دشواری‌های کار مستقل در سینما آشنایی دارند و همین موضوع باعث می‌شود همکاری راحت‌تر و هماهنگ‌تری شکل بگیرد. این بازیگران به سختی‌های کاری که ما در سینما انجام می‌دهیم واقف هستند و من نیز اساساً علاقه‌ای به همکاری با چهره‌های مشهور و بازیگران مطرح ندارم. البته شاید برخی از بازیگران ناشناخته به اندازه‌ی بازیگران حرفه‌ای و شناخته شده مهارت نداشته باشند، اما به نظر من در بسیاری از مواقع بازی‌هایی بسیار بهتر و واقعی‌تری ارائه می‌کنند. به همین دلیل ترجیح می‌دهم با بازیگرانی کار کنم که می‌شناسمشان و با آن‌ها تجربه‌ی مشترک دارم؛ این بازیگران زحمات بیشتری متحمل شوند و حتی مجبورند بدون دریافت دستمزد یا با



مریم عظیمی

گفت‌وگو



نگاهی متفاوت به مقوله پذیرش مرگ

اکران فیلم سینمایی «زیر آبهای سوزان» به نویسندگی و کارگردانی مسعود احمدی و تهیه‌کنندگی شیمیا پور سهیم الدین در سینماهای هنرو تجربه آغاز شده است. این فیلم در ژانر سورئال ساخته شده و تمام صحنه‌های آن در آب فیلمبرداری شده است. زیر آبهای سوزان مواجهه یک غواص با شرایطی تعریف نشده است که بیشتر به خواب، رویا، وهم و گاه کابوس می‌ماند و همین مواجهه قرار است اوست و به حقیقت آنچه در پذیرشش ناکام بوده برساند. در ادامه‌ی گفت‌وگو با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

آنها بود اما باز برای غنای اثر با یکی از هم‌زمان آن شهید مصاحبه‌ای انجام دادم.

در ادامه، بفرمایید پروژه چگونه آغاز شد؟ آیا در این مسیر توانستید همکاری نهادهایی را جلب کنید؟

من این فیلمنامه را از قبل نوشته بودم و زمانی که در شیراز کنگره‌ای با محوریت شهدا برگزار شد که قرار بود طی آن هنرمندان آثار کوتاه تولید کنند من این فیلمنامه را ارائه دادم و گفتم قصد ساخت فیلم بلند دارم. نهایتاً بسیج هنرمندان استان فارس، در قالب کنگره ۱۵ هزار شهید، تا حدودی حمایت کردند و فیلم ساخته شد. آغاز فیلمبرداری از اواسط شهریور بود. چون بیشتر فیلم در آب می‌گذشت، سرمای آب فشار زیادی بر عوامل و بازیگران وارد می‌کرد.

از لوکیشن‌های فیلم بگویید.

فیلمبرداری در چند شهر استان فارس از جمله جهرم، میمند و کفیروز انجام شد. تا اوایل آبان، عمده بخش‌ها در آب فیلمبرداری شد.

انتخاب این بازه زمانی به خاطر برآب بودن رودخانه‌ها بود یا صرفاً به دلیل هماهنگی‌ها و تأخیرها؟

انتخاب این زمان عمدتاً به دلیل تأخیر در روند هماهنگی‌ها بود. یعنی تا هماهنگی‌های بازرگانی که قرار بود کمکی انجام دهد صورت گیرد به تاریخ ۱۵ شهریور رسیدیم و آب تا حدود زیادی در این تاریخ سرد شده بود.

با توجه به دشواری‌های فیلمبرداری در آب، کمی هم درباره فیلمبرداری اثر توضیح دهید.



مسعود احمدی

کارگردان:

نهایت تلاشمان را کردیم که آسیبی به محیط زیست وارد نشود

از آنجا که نویسنده اثر نیز خود شما بوده‌اید، اجازه دهید از فیلمنامه آغاز کنیم. اینکه ایده این کار از کجا شکل گرفت و فرآیند نوشتن آن چگونه پیش رفت؟

با اینکه تاکنون حدود سی اثر در قالب تئاتر، فیلم کوتاه و پنج فیلم بلند کار کرده‌ام، اما کمتر به سراغ این ژانر و موضوع دفاع مقدس رفته بودم. نهایتاً یک بار، اوایل دهه نود، نمایشی نوشتیم با موضوع غواصان که با استقبال روبه‌رو شد. چند جایزه گرفت و با نام «اروند رود امشب فراموش نمی‌کند» شناخته شد. در ادامه احساس کردم می‌توان با بهره‌گیری از فضای سیال ذهن و سوررئالیستی، قصه‌ای متفاوت را روایت کرد. در جست‌وجوی سوز، داستانی یافتیم درباره فردی به نام رضا ذاکرعباس که در جنگ مفقود می‌شود و برادر او به مادرشان قول می‌دهد که وی را پیدا کند، اما خود او نیز در جنگ کشته شده و پیکر هر دو شهید پس از سال‌ها به شیراز بازگشت. الهام از این قصه، پایه اصلی فیلمنامه شد.

آیا برای روایت این داستان، نیاز به ارتباط مستقیم با خانواده این دو شهید حس کردید؟

خب ما نمی‌خواستیم اثر روایتی مستقیم از زندگی این دو شهید باشد بلکه این اثر بیشتر الهام گرفته شده از روایت سرگذشت

خب فیلمبرداری برعهده خودم بود. در واقع فیلمبرداری را به این دلیل انجام دادم که فرد دیگری حاضر به پذیرش چنین شرایط پر ریسکی نشد. شرایط بسیار سخت بود؛ برای نمونه، یک بار صداربدر هنگام کار در گل فرورفت و همراه دستگاه صدا به آب افتاد. حتی دوربینی که در اختیار داشتیم به دلیل نفوذ طوبت آسیب دید و برای مدتی از کار افتاد. به همین دلیل، ناگزیر شدم خود مسئولیت فیلمبرداری را نیز عهده‌دار شوم. ما برای فیلمبرداری، این اثر، دستگاهی ابداع کردیم که روی آب شناور می‌شد و قابلیت نصب سه‌پایه و حرکت را داشت تا بتوانیم حرکات تراولینگ و غیره را در دل آب اجرا کنیم.

آیا در هنگام فیلمبرداری، خودتان روی دستگاه بودید یا خودتان هم داخل در آب بودید؟

همه ما در آب بودیم. حتی برخی بازیگران مانند خانم امامی یا دیگر بازیگران جوان‌تر که سن کمتری داشتند، دچار فوبیای آب بودند. برای نمونه یکی از بازیگران تا پیش از این هرگز وارد آب نشده بود، اما ناچار شد در سخت‌ترین شرایط و سرمای شدید، در آب بازی کند.

فیلمبرداری‌ها چه مدت به طول انجامید؟

کل پروژه حدود دو ماه زمان برد، اما در مجموع سی جلسه فیلمبرداری انجام شد.

بازخوردهایی که تاکنون از مخاطبان و منتقدان دریافت کرده‌اید چگونه بوده است؟

فیلم چند ماه پیش دو بار در شیراز اکران شد. مخاطبان در شیراز به ویژه به دلیل استفاده از لهجه‌های مختلف شهرهای استان فارس و فضای خاص اثر، که در آب و با موضوع جنگ

